

بر خورد آرا و اندیشه‌ها

مُولوی و تعصّب

محمدحسین پاکزاد - تهران

به خصوص حضرت حافظ آن‌جا که ضمن تعریف و تمجید از ممدوح خود، درسی می‌دهد جانانه و نتیجه‌ی می‌گیرد عالی. حُسنِت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت

آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت مشخص می‌شود منظور این است که حُسن و زیبایی همراه نمکین بودن جهان را زیر نگین خودش درآورد (صورت و سیرت) و در مصراع بعد نتیجه‌گیری می‌کند که بلی با اتفاق و اتحاد جهانی را می‌شود تصرف و تسخیر کرد (خواه جهان گل و خواه جهان دل). مولوی نیز در **مثنوی** ضمن ارائه‌ی سخت‌گرفتن میوه‌های خام درخت را با تمثیلی برای انسان‌های خام و ناپخته که پایبند جهان خاکی هستند و غافل هم‌چنین نتیجه‌ی عالی می‌گیرد که «ایها الناس بدانید و آگاه باشید که سخت‌گیری و تعصّب داشتن از خامی ما انسان‌هاست» و به‌راستی که در میان انسان‌های پخته و کاملاً انسان، نه سخت‌گیری وجود دارد و نه تعصّب بی‌جا، جنگ هفتاد و دو ملت را رها کرده و همه‌جویای حق و حقیقت و طالب و مایل آن هستند و بس.

زبان معیار فارسی در رادیو

ارتشبد فریدون جم - لندن

مقالات متعددی درباره‌ی اهمیت حفظ زبان پارسی توسط نویسندگان گوناگونی تاکنون منتشر شده است که همگی مورد تایید است. و به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی خوش‌بختانه توجه خاصی به این مطلب دارد. در این شرایط ناگوار که حتا در برنامه‌های جام جم و بویژه سریال‌ها واژه‌هایی را به‌طریق خاص تلفظ می‌کنند.

البته در مواردی لازم می‌گردد بازیگر لهجه محلی را تقلید کند. وی در موارد دیگر هیچ موردی ندارد. اخیراً شنیده شده که رَفْتَم را رَفْتَم، کَرْدَم را کَرْدَم تلفظ کرده‌اند. از آن بدتر فعل «هست» اغلب تبدیل به «هستش» می‌شود و مینیاتور را که اصلاً واژه‌ی خارجی‌ست و Miniature است تبدیل به مینیاتور Miniador می‌کنند، رادیو باید همیشه به لهجه‌ی صحیح و بهترین بپردازد.

نشریه‌ی شماره‌ی ۴۱ که ویژه‌نامه‌ی مولوی بود. من هم مطالبی راجع به «تعصّب» از دیدگاه مولوی تقدیم می‌کنم. زنده‌یاد استاد محمدتقی جعفری بیت «سخت‌گیری و تعصّب خامی است / تا جنینی کار خون‌آشامی است» را دلیلی بر بی‌تعصّبی و بهتر است بگوییم کم‌تعصّبی و آزادبودن مولانا جلال‌الدین بلخی از قیود دست و پاگیر فکری و کلامی می‌دانست و بر این موضوع پافشاری می‌کرد. دوستان و بزرگوارانی نیز هستند که این بیت از مثنوی را برهانی بر رها بودن مولوی از قید تعصّب و یا ترویج آن توسط یک‌تاز میدان عرفان و عشق حضرت حق نمی‌دانند و دلیل‌شان این است که این بیت جزو چند بیتی در دفتر سوم **مثنوی** شریف است که در آن‌جا سخت‌گرفتن برمی‌گردد به سخت‌گرفتن میوه‌های کال، نارس و یا خام (استعاره از انسان ناقص) شاخه‌ها و شاخه‌های زندگی را و مخالفین این‌گونه، برهان می‌آورند.

ابیات قبلی کاملاً نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که مولانا در دنباله‌ی ابیات قبلی موضوع سخت‌گیری و تعصّب را فقط به فقط به منظور نشان دادن این مطلب که انسان‌های ناپخته و تکامل‌نیافته همانند میوه‌های کال، شاخه‌های درخت زندگی را سخت می‌چسبند، عنوان نموده نه این‌که بخواهد بگوید با سخت‌گیری و تعصّب مخالفم و انسان باید به‌جای سخت‌گیری خرد پیشه‌کند و آزاد و پخته و رها باشد. ابیات زیر را بازخوانی می‌کنیم:

این جهان هم‌چون درخت است ای کرام

ما بر او چون میوه‌های نیم‌خام

سخت گیرد خام‌ها مر شاخ را

ز آن‌که در خامی نشاید کاخ را

چون بی‌بخت و گشت شیرین، لب‌گزان

سُست گیرد شاخ‌ها را بعد از آن

سخت‌گیری و تعصّب خامی است

تا جنینی کار خون‌آشامی است

به‌نظر حقیر، با کمی دقت و تتبع در دواوین شعرای پارسی

☑ درباره‌ی دکتر ناصر یگانه و پدرش

دکتر محمدرضا بیگدلی - تهران

مسعود حجازی حمله کرده بود که پدر او (سیدمحمدباقر حجازی، مدیر روزنامه‌ی وظیفه) چنین و چنان بود؛ ولی این حمله، وارد نبود. اکنون من با تفکیک بین پدر و پسر و ضمن تقدیر و تجلیل از نشریه‌ی شما به دلیل چاپ مقاله‌های ارزشمند ارتشید فریدون جم می‌باید به اطلاع برسانم که محمود جم یکی از عوامل مرموز و خائن عصر پهلوی‌ها بود. او اولاً، یکی از اعضای «کمیته‌ی آهن» (هیأت ایرانی - انگلیسی مسوول کودتای اسفند ۱۲۹۹) بود. ثانیاً، در کشتار مسجد گوهرشاد در مشهد در ۱۳۱۴ و سپس در قتل مرحوم سیدحسن مدرس در کاشمر در ۱۳۱۸ مسوولیت داشت. ثالثاً، در زمان محمدرضاشاه، در مقام یک سناتور بی‌خاصیت و فرمانبردار شاه، از بیان هرگونه اظهارنظری که اندک نشانه‌ی مخالفتی با رژیم استبدادی داشته باشد، خودداری کرد. جامعه از یک شخصیتی که پنجاه سال در صحنه‌ی سیاست بوده و نخست‌وزیر مملکت گردیده و پسرش داماد رضاشاه شده، انتظار دارد که به شاه وقت تذکر و مشاورت بدهد تا مرتکب این همه اشتباه نشود.

ب- اما در خصوص حمله‌ی ایشان به فراماسونری، در میان فراماسون‌ها اشخاص دانشمند و خدمتگزار کم نبودند، از جمله محمدعلی فروغی، سیدحسن تقی‌زاده و دکتر محمود هومن، دکتر عباس زریاب خویی، دکتر غلام‌حسین زرین‌کوب و... لذا باز هم به عقیده‌ی من، صرف عضویت در فراماسونری نباید موجب حمله به شخصیت رجال ایران شود، چنان‌که گویا سید جمال اسدآبادی و دکتر محمد مصدق هم در مقاطعی عضو فراماسونری بودند، ولی این امر دامن پاک آن‌ها را آلوده نکرده است.

☑ شکایت از زمانه و نوازش از دوستی

حسن مروجی - سبزوار

شنیدم متشاعر کم‌سوادی که تضمین او از غزلیات حافظ در مجله‌ی حافظ چاپ نشده است، چون یکی دو عدد از تضمین‌های من از غزلیات حافظ در مجله چاپ شده، در رشت، شعر خود را با شعر من مقایسه و از شما گله کرده است. این شعر را بدون عنایت به آن شکایت به شما تقدیم می‌کنم:

در این زمانه که از دوستی نشانی نیست
مرا هنوز رفیقی‌ست در خور و شایان
حسن به‌نام و به خوی و حسن به فکر و عمل
امین به شهرت و اندیشه و به دست و زبان
اگرچه طایر فکرش بلندپرواز است
گاهی زند سر لیک از من حسیض مکان
گاهی تفقد عالم به شعر و نامه کند
گه استمالت من می‌کند به لطف بیان
به علم و فضل و هنر گشته بی‌نظیر و بدیل
به شأن و مرتبه گردیده شهره‌ی دوران
بدا به‌حال من از حظوظ بی‌توفیق
خوشا به‌حال وی از آن‌همه عزیزی و شان
در این زمانه که افسانه گشته مهر و وفا
مراسست اظهار این‌هر دو از خور تابان

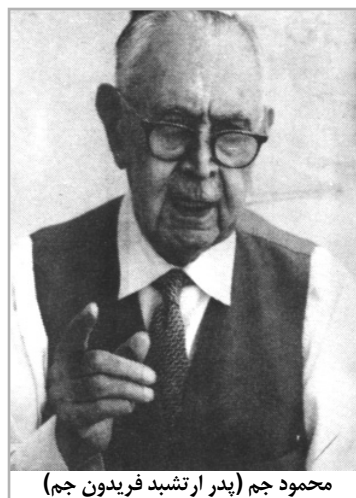
استاد پروفسور حسن امین در شماره‌ی ۳۸ نشریه‌ی حافظ، در مقاله‌ی خواندنی با عنوان «دکتر ناصر یگانه، آخرین رییس دیوان عالی کشور رژیم پهلوی» اشاره کرده بودند که دکتر یگانه از اعیان‌زادگان قزوین بود. بی‌مناسبت ندانستم که توضیح بدهم که به شرح مندرج در صفحات ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۱ و ۱۴۳ کتاب اسرار تاریخی کمیته‌ی مجازات، تالیف جواد تبریزی (چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲)، پدر مرحوم ناصر یگانه، معروف به «سالار منصور قزوینی» از حامیان میرزا علی‌اکبر ارداقی (از اعضای کمیته‌ی مجازات) بوده است. لذا بخش مرتبط با این موضوع را از کتاب مزبور نقل می‌کنم:

«میرزا علی‌اکبر ارداقی (عضو کمیته‌ی مجازات) وضع مالی خوبی نداشته و سالار قزوینی به او می‌گوید که چون تو قصد انتفاع شخصی در این کار نداری، هر چه از جهت مادی نیاز باشد، من کمک می‌کنم. ارداقی هم پس از دستگیری، موضوع کمک‌های مالی سردار منصور را نوعی گزارش می‌دهد که اتهامی متوجه او نشود. در حالی‌که اعضای کمیته‌ی مجازات در آن زمان بیش از دویست تومان وجه از سالار منصور اخذ کرده بودند که یکصد تومان آن را به حسین‌خان لاله و احسان‌الله‌خان داده بودند و بقیه را به عبدالحسین شفاپی که به قاتل میرزا محسن مجتهد پرداخت کند».

☑ باز هم از محمود جم

مهران کاظمی - تهران

در بخش «برخورد آرا و اندیشه‌ها» در شماره‌ی سی و هشتم جریده‌ی شریفه‌ی حافظ، مطلبی در انتقاد از محمود جم و عضویت او (و رجب‌علی منصور نخست‌وزیر دیگر رضاشاه) در فراماسونری در صفحه‌ی ۵۴ شماره‌ی مذکور به قلم آقای دکتر امیرحسن استوار چاپ شده بود. ضمن عرض ارادت نظر خود را در این موضوع اظهار می‌دارم: الف- پسر را به اتهام پدر نمی‌توان تخطئه کرد. چند سال پیش هم، آقای دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان (داماد کسروی) به مرحوم دکتر



محمود جم (پدر ارتشید فریدون جم)